

قیام

شیخ محمد خیابانی

عبدالمحمد عزیزیان . سرگروه تاریخ استان چهارمحال و بختیاری

به وجود آمده را هدایت کند . سرانجام چنین رهبری ظهور یافت : شیخ محمد خیابانی از مبارزان این زمان که از بطن جامعه برخاست . وی روحانی مجاهدی بود که در سال ۱۲۵۹ شمسی در خامنه در نزدیکی تبریز متولد شد و پس از فراگیری علوم مقدماتی از محضر حضرات آیات سید ابوالحسن انگجی و میرزا عبدالعلی فقه ، اصول ، هیئت و نجوم آموخت و پس از مدتی به تدریس پرداخت .^۳ مسافرت به روسیه و مشاهده ی تحولات سیاسی اجتماعی آن دیار به یقین در گسترش افق دید وی نقش داشته است . زندگی خیابانی پس از پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی وارد مرحله تازه ای گردید . او فعالیت سیاسی خود را شدت بخشید . پس از خلع محمدعلی شاه ، خیابانی به عنوان نماینده ی مردم تبریز راهی مجلس شورای ملی گردید . او با التیماتوم روسیه در مجلس دوم مخالفت کرد و همچنین با قرارداد استعماری وثوق الدوله با انگلستان (قرارداد ۱۹۱۹) نیز به مبارزه برخاست . خیابانی از آنجا که حکومت مرکزی را ضعیف و وابسته می دید ایجاد یک تحول اساسی در نظام حکومتی

قیام حرکتی بر علیه فشارهای موجود در جامعه است . وقتی که فشار و محدودیت در جامعه به حدی برسد که مردم نتوانند تحمل کنند ، شرایط برای بروز نارضایتی فراهم می شود و آن گاه با ظهور یک رهبر که بتواند نهضت را هدایت کند حرکت شکل منسجم تری به خود گرفته و به سوی هدف پیش می رود . ایران نیز پیش از مشروطه با شرایطی که در جامعه به وجود آمد هر آن آماده ی حرکتی بر ضد وضع موجود بود . تعطیلی پی در پی مجلس ، ظلم و ستم والیان فرصت طلب و آغاز جنگ جهانی اول که باعث شد حاکمیت دولت مرکزی به ضعیف ترین درجه ی خود برسد ،^۱ همه مظاهر این وضعیت بود . گرچه اوضاع کلی حاکم بر جامعه در آذربایجان نیز وجود داشت اما به علت موقعیت ارتباطی آن منطقه ، از یک سو مورد تهاجم روسیه و از سوی دیگر مورد حمله ی عثمانی ها واقع شد . با شنیدن صدای انقلابیون روسیه در جریان جنگ جهانی اول ، آذربایجان که هم جوار با روسیه انقلابی بود ،^۲ سریع تر از سایر نواحی ایران تحت تأثیر قرار گرفته و تنها به یک رهبر نیاز بود که بتواند افکار را بیدار و شرایط

ایران و احیای آزادی را گام نخست برای ایجاد نظامی مردمی و خلع ید از بیگانگان می دانست ولی برداشتن گام اول را از طریق مذاکره سیاسی امکان پذیر نمی شمرد و تنها راه را در قیام و مقاومت دلیرانه در برابر استبداد و دخالت خارجی می دانست زیرا نظام سیاسی موجود چنان فاسد و اصلاح ناپذیر شده بود که دیگر نمی شد از راه های مسالمت آمیز و مدنی آن را اصلاح کرد؛ از این رو پس از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ از سوی کابینه وثوق الدوله، در تبریز دست به قیام زد. تقارن این قیام با جنبش جنگل مؤید این واقعیت می باشد. آذربایجان تا پیش از وقوع قیام خیابانی تحت استیلای روس ها بود و شجاع الدوله به آزادی خواهان اجازه نفس کشیدن نمی داد.^۴ به همین خاطر خیابانی با پرداختن به فعالیت هایی همچون پیوستن به تشکیلات فرقه ی دموکرات و انتشار مخالفت نامه ای تحت عنوان، «آزادیخواهان آذربایجان» به مبارزه ادامه داد.^۵ با آغاز انقلاب روسیه و تخلیه آذربایجان از سوی روس ها دایره ی فعالیت ها گسترده شد. خیابانی و دوستانش موفق به تشکیل یک کنفرانس ایالتی شد و با به دست آوردن امتیاز روزنامه ی «تجدد» ارگان این فرقه به ترویج مسلک و افکار خود پرداخت.^۶ هنگامی که قرارداد ۱۹۱۹ آشکار گردید وثوق الدوله برای تثبیت آن درصدد برپایی هر چه سریع تر انتخابات مجلس برآمد تا نمایندگان انتخاب شوند که با قرارداد موافق باشند اما علی رغم کوشش وی، خیابانی و حزبش در انتخابات آذربایجان توانست شش کرسی از آن کرسی نمایندگان تبریز را به دست آورد.^۷ وثوق الدوله که از شکست در انتخابات تبریز و پیروزی حزب دموکرات آذربایجان به وحشت می افتد درمی یابد که با ورود نمایندگان دموکرات به مجلس تصویب قرارداد جزء محالات خواهد بود، پس تصمیم به براندازی حزب می گیرد در همین راستا ابتدا دو تن از افسران سوئدی با یک دسته کارآگاه مسلح به تبریز می فرستد.^۸ سپس عین الدوله مستبد معروف را حاکم آن شهر می کند.^۹ در این شرایط روز ۱۷ فروردین ۱۲۹۹ ش. دموکرات ها و مجاهدین در تبریز دست به قیام می زنند و کلیه ی دوایر دولتی را به اشغال خود درمی آورند.^{۱۰} از جمله اقدامات بحث برانگیز حزب دموکرات تغییر نام آذربایجان به «آزادی ستان» بود که این اقدام عکس العمل هایی را به همراه داشت. عده ای از نویسندگان مانند کلارمونت اسکراین و شیخ الاسلامی این اقدام را تجزیه طلبانه تلقی کردند^{۱۱} و عده ای دیگر از نویسندگان مانند بادامچی و کسروی این اقدام را به نشانه ی

اعتراض و تمایز نسبت به تأسیس جمهوری آذربایجان در باکو می دانند.^{۱۲} به هرحال این عمل دستاویز عده ای افراد غرض ورز گردید تا شکل و محتوای قیام را به سوی اهداف خود سوق دهند. پس از سقوط کابینه قرارداد و نخست وزیری مشیرالدوله و با توجه به مقتضیات و ضروریات سیر تاریخ ایران برای ایجاد وحدت سیاسی از یک سو و تغییر سیاست راهبردی انگلیس پس از شکست قرارداد ۱۹۱۹ مبنی بر تأسیس یک دولت متمرکز از سوی دیگر، زمینه ی شکست این قیام فراهم شد. با اعزام مخبر السلطنه به تبریز و نیز خیانت بعضی از همکاران شیخ و عدم آمادگی نظامی دموکرات ها، قیام خیابانی پس از پنج ماه فعالیت سرکوب و شیخ محمد خیابانی نیز جان خود را فدای آرمان های خویش نمود.^{۱۳}

پی نوشت ها

۱. شمیم، علی اصغر، ایران در دوره ی سلطنت قاجار، ج ۶، انتشارات مدبر، تهران، ۱۳۴۷، صص ۵۵۳-۵۵۵.
۲. کسروی، احمد، تاریخ هیجده ساله ی آذربایجان، ج ۷، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵، صص ۷۴۴.
۳. بادامچی، حاج محمد علی آقا، شرح حال و اقدامات خیابانی، انتشارات ایران شهر، برلین، ۱۳۰۴، صص ۲۳-۲۴ و آذری، علی، قیام خیابانی، ج ۲، انتشارات صفی علی شاه، بی جا، ۱۳۴۶، ص ۱۱.
۴. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، جلد ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۲۳، صص ۳۸-۳۹.
۵. بادامچی، صص ۲۴-۲۸.
۶. رئیس نیا، رحیم و ناهید عبدالحسین، دو مبارز جنبش مشروطه، انتشارات ابن سینا، تبریز، ۱۳۴۸، صص ۲۷۹-۲۸۰.
۷. حکیمی، محمدرضا، بیدارگران اقلیم قبله، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، صص ۱۴۳-۱۴۴.
۸. کسروی، ص ۸۵۸ و شیخ الاسلامی، ج ۲، صص ۹۴-۹۵.
۹. همان، ص ۹۵.
۱۰. کسروی، ص ۸۶۱.
۱۱. اسکراین، سر کلارمونت، جنگ های جهانی در ایران، ترجمه حسین فراهانی، انتشارات نوین، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۵۳ و شیخ الاسلامی، ج ۲، ص ۵۰.
۱۲. بادامچی، ص ۳۴ و کسروی، ص ۸۷۳.
۱۳. کسروی، صص ۸۹۱-۸۹۳.